

## درآمدی بر مفهوم شناسی دیپلماسی و روابط دیپلماتیک در اسلام

دکتور عنایت الله خلیل هدف<sup>۱</sup>

DOI: 10.64104/V11.Issue19.No10.Spring.2026

### چکیده

مقاله حاضر به توضیح و تبیین جایگاه دیپلماسی و روابط دیپلماتیک از منظر اسلام پرداخته است. مسأله پژوهش این است که بسیاری از دانشجویان و پژوهشگران، به ویژه در افغانستان با چشم‌اندازها و انگیزه‌های معرفت‌شناختی غیر تخصصی چنین می‌پندارند که واژه‌های دیپلماسی و روابط دیپلماتیک، فراورده‌های غربی است و اسلام با چنین مفاهیم و پدیده‌های جدید سر و کاری ندارد. پرسش محوری مقاله این است که دیدگاه فکری و رویکرد عملی اسلام پیرامون پدیده دیپلماسی و روابط دیپلماتیک چگونه پی‌ریزی گردیده است؟ فرضیه پژوهش براین است که اسلام به حیث خاتم ادیان الهی؛ در همه عرصه‌های حیات فردی و جمعی انسان‌ها، به ویژه تنظیم روابط جامعه اسلامی در سطح داخلی و خارجی؛ از جمله روابط دیپلماتیک مبادی و رهنمودهای نظری و عملی ارایه نموده است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دولت اسلامی همزمان با شکل‌گیری و تأسیس آن توسط پیامبر اسلام، در مناسبات خود با نیروهای داخل و خارج، انواع تعاملات دیپلماتیک؛ اعم از گفتگوهای فکری مسالمت‌آمیز، عقد معاهدات همزیستی، عهد نامه‌های صلح و عدم تجاوز، ارسال نامه‌ها و فرستادگان، شیوه‌های جنگی و ابزارهای گوناگونی را تجربه کرده است که امروزه به نام دیپلماسی و روابط بین الملل شناخته می‌شود. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و با مطالعات کتابخانه‌ای به توضیح و تبیین مفاهیم، مبادی و قواعد نظام دیپلماسی اسلامی، با استناد به نصوص شرعی، فقه سیاسی و تجارب عملی دولت اسلامی پرداخته است.

**کلید واژه‌ها:** دیپلماسی، دیپلماسی اسلامی، نظام دیپلماسی اسلامی، مبادی دیپلماسی اسلامی، وفا به عهد، انعطاف، اعتدال.

<sup>۱</sup>. معاون تحقیقات علمی و استاد ماستری روابط بین الملل پوهنتون دعوت، ۰۷۹۹۷۵۰۹۶۵، [sekhali58@gmail.com](mailto:sekhali58@gmail.com)

واژه دیپلماسی به عنوان وسیله گفتگوی انسانی و اداره روابط بین الملل؛ یک مفهوم دیرینه است و به عمر گروه‌ها و مدنیت‌های بشری قدامت دارد. این مفهوم را یونانیان به کاربردند و سپس کاربرد آن با واژه‌ها و تعبیرهای مختلف به سایر زبان‌های زنده جهان انتقال یافت. عرب‌ها قبل از اسلام مفهوم دیپلماسی را می‌شناختند و در مناسبت‌های اجتماعی، ختم جنگ‌ها، روابط سیاسی، داد و ستدهای تجارتی دوران خودشان در داخل جزیره عرب و خارج آن، مفهوم دیپلماسی را به کار می‌بردند.

با ظهور اسلام و تأسیس دولت اسلامی مفهوم و کار برد دیپلماسی توسعه و تطور یافت. اهداف و مقاصد سفارت متحول گردید و مجال آن در چوکات امنیت دولت و تقویت روابط آن با همسایگان از طریق تماس‌ها و عقد معاهدات، ارتباطات و مناسبات همگام با تحولات و رویدادهای جدید در جهت برقراری روابط میان مسلمانان و نیروهای مخالف و درگیر با ایشان گسترش پیدا کرد.

این مقاله به مطالعه تأسیلی مفاهیم دیپلماسی و روابط دیپلماتیک از دیدگاه اسلام می‌پردازد تا استدلال نماید که فقه سیاسی اسلام قبل از تدوین قوانین بین المللی وعهد نامه های تنظیم کننده روابط دیپلماتیک مفاهیم وکار برد واژه های دیپلماسی، روابط دیپلماتیک و نظام دیپلماسی را همزمان با تأسیس دولت اسلامی در عهد نبوی و به تبع آن در دوره های مختلف تطور دولت اسلامی تجربه نموده است. پژوهش حاضر به صدد آن است که اسناد وشواهد تاریخی عملکرد دولت های اسلامی را با استناد به متون اسلامی و نظریات علمای اسلام در راستای تأسیل مفاهیم و مبادی مرتبط به نظریه اسلامی روابط دیپلماتیک و روابط بین الملل به تشریح وتحلیل بگیرد.

### چارچوب نظری پژوهش

این مقاله بر مبنای چارچوب نظری فقه سیاسی اسلام با رویکرد هنجاری روابط بین الملل پی ریزی گردیده است. پژوهش حاضر به دنبال تأسیل مفهوم دیپلماسی، مبتنی برآموزه‌های فقه سیاسی اسلام به عنوان متغیر اصلی، و شکل‌گیری و کارکرد نظام دیپلماسی و روابط دیپلماتیک در دولت اسلامی به مثابه متغیر وابسته است. فرض اساسی پژوهش آن است که هرگاه اصول شریعت درعرصه روابط خارجی اعمال شود، الگویی از دیپلماسی مبتنی بر گفتگوی فکری مسالمت آمیز، اصل کرامت انسانی، مصونیت فرستادگان وسفرا، براساس عدالت، وفای به عهد، صلح محوری و رعایت حقوق متقابل شکل می‌گیرد.

این چارچوب نظری امکان تحلیل مفاهیم، قواعد و تجارب دیپلماسی اسلامی را در پرتو نصوص شرعی، سیره نبوی، عملکرد خلفای راشدین وآرای فقه‌های اسلام فراهم ساخته و نشان می‌دهد که دیپلماسی در اسلام صرفاً یک ابزار سیاسی نیست؛ بلکه بخشی از نظام حقوقی و اخلاقی اسلام در تنظیم روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها به شمار می‌رود.

از منظر فقه سیاسی اسلام، دیپلماسی صرفاً مجموعه‌ای از فنون و مهارت‌های سیاسی برای تأمین منافع دولت نیست، بلکه منظومه هنجاری است که مشروعیت، اهداف و شیوه‌های آن از مجموعه‌ای از اصول ارزشی، حقوقی و اخلاقی سرچشمه می‌گیرد. در اندیشه اسلامی روابط خارجی دولت اسلامی بخشی از نظام جامع شریعت است و مشروعیت آن بر منابع اصلی اسلام؛ یعنی قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع و اجتهاد استوار است. از این منظر، مجموعه ای اصول، مبادی و راهکارهایی مانند اعتقاد به وحدت اصل بشری، جهانی بودن دعوت و دولت اسلامی، شناخت و همکاری به خیر و نیکی، التزام به عهد و پیمان، رویکرد انعطاف و اعتدال و تسامح، احترام و مصونیت فرستادگان و سفرا و دیگر مبادی و راهکارهای اخلاقی و عدالت محور مبانی نظری و عملی دیپلماسی اسلامی را تشکیل می‌دهند.

## ادبیات پژوهش

بی تردید در باره دیپلماسی اسلامی و روابط بین الملل اسلامی پژوهش های زیادی توسط علمای پیشین و اندیشمندان معاصر مسلمان، به زبان های زنده جهان تألیف، تحقیق و ترجمه گردیده است. ما در این مقاله به طور نمونه به چند اثر مشهور و معتبر مرتبط به موضوع مورد بحث اشاره می کنیم.

۱. **الأحكام السلطانية** تألیف امام ماوردی؛ از قدیم ترین و مهم ترین منابع فقه سیاسی اسلامی کلاسیک است که ساختار حکومت اسلامی، امامت، وزارت، قضا، ولایت ها، ضرورت و شروط نصب امام، وظایف حاکم، روابط خارجی حکومت اسلامی و موضوعات مهم مرتبط به فقه سیاسی اسلام را به صورت عام تبیین نموده است. اما این اثر با وجود اهمیت و مرجعیتی که دارد، فاقد نظریه مستقل در باره مفهوم دیپلماسی و اصول و مبادی روابط دیپلماتیک است، که مقاله حاضر به دنبال آن می باشد.

۲. **کتاب الخراج** توسط امام ابو یوسف شاگرد امام ابوحنیفه وقاضی القضاة خلافت اسلامی تألیف گردیده است. این کتاب در اصل نظام مالی دولت اسلامی را پایه گذاری نموده است، اما به صورت ضمنی به مسایل حکومت داری، روابط با غیر مسلمانان، تعامل با اهل ذمه، اجرای معاهدات و برخی ابعاد اداره سرزمین های اسلامی پرداخته است. البته مباحث سیاست خارجی و دیپلماسی به صورت فرعی و گذرا در این اثر مطرح گردیده است.

۳. **السير الكبير** تألیف امام محمد بن حسن شیبانی؛ از مهم ترین منابع فقه سیاسی اسلام در باره نظام سیاسی اسلام به شمار می آید که در قرن دوم هجری تألیف و بعدها توسط امام سرخسی و علما و اندیشمندان دیگر شرح گردیده است. این کتاب نخستین اثر نظام مند در باره روابط خارجی دولت اسلامی در حالات صلح و جنگ، معاهدات، امان، سفارت، مصونیت فرستادگان، حقوق اهل ذمه، وفای به عهد، روابط با غیر مسلمانان و قواعد جنگ در فقه اسلامی است که بسیاری محققان آن را زیربنای حقوق بین الملل اسلامی دانسته اند، و از نیمه قرن بیستم کتاب **السير الكبير** امام شیبانی مورد توجه گسترده پژوهشگران مسلمان و غربی قرار گرفته، مطالعات متعددی در حوزه حقوق بین الملل اسلامی بر پایه آن شکل گرفته است. با وجود اهمیت بنیادین و تأسیلی حقوقی و قانونی که دارد؛ کتاب **السير الكبير** با شروح آن به مفهوم شناسی مستقل دیپلماسی اسلامی نمی پردازد، بلکه محور اصلی کتاب بیان احکام فقهی و تأسیس قواعد صلح و جنگ از منظر فقه سیاسی اسلام است.

۴. **مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوي والخلافة الراشدة** تألیف محمد حمید الله دانشمند شناخته شده مسلمان هندی؛ که اسناد و شواهد سیاسی عهد نبوی را با استناد به منابع اصلی و مطالعات میدانی خود به صورت دقیق جمع و تدوین نموده است. این کتاب از مهم ترین منابع مطالعات سیاسی اسلامی به شمار می آید و اسناد و شواهد ارزشمندی را در باره روابط سیاسی دولت اسلامی در عهد نبوی و خلافت راشده در اختیار پژوهشگران قرار می دهد. این کتاب با وجود اهمیت علمی که دارد، اما کدام چارچوب نظری برای تبیین دیپلماسی اسلامی و تحلیل مفهومی روابط دیپلماتیک اسلامی عرضه نمی کند، بلکه کتاب متذکره به عنوان منبع مهم و اساسی مطالعات سیاسی، بیشتر به صدد جمع آوری اسناد تاریخی و مستند سازی رویداد های سیاسی عصر نبوت و خلافت راشده می باشد.

۵. **نشأة الدولة الإسلامية على عهد رسول الله** تألیف دکتر عون الشریف قاسم نویسنده سودانی؛ که به تحلیل تأسیس نخستین دولت اسلامی تحت قیادت پیامبر اسلام، با استناد به نامه های پیامبر و معاهدات وی در سطح جزیره عرب و خارج آن پرداخته است. کتاب نامبرده در آغاز تحت عنوان «دیپلماسی محمد» تدوین و چاپ گردیده، و در چاپ دوم عنوان «تأسیس دولت اسلامی» را به خود گرفته است. این کتاب یکی از منابع مهم معاصر در بخش دیپلماسی اسلامی شمرده می شود که به توثیق و تحلیل سیاسی اسناد و شواهد تاریخی دولت اسلامی پرداخته است. با وجود اهمیت اسناد

تاریخی آن، باز هم به تبیین مفهوم دیپلماسی و تطور تاریخی و مبادی دیپلماسی اسلامی که مطمح نظر مقاله ماست نمی پردازد.

چنانچه اشاره گردید، کتب و پژوهش های زیادی در عرصه فقه سیاسی اسلام؛ اعم از نظام سیاسی، نظام دیپلماسی، روابط بین الملل توسط نویسندگان مسلمان، چه متون اسلامی قدیم و یا تألیفات علمای معاصر به زبان های عربی، انگلیسی، اردو و غیره تألیف و منتشر گردیده است که به شرح و تفصیل حوزه های مختلف فقه سیاسی اسلام و پژوهش های حقوقی معاصر و قواعد روابط بین الملل اسلامی پرداخته اند که ذکر فهرست آن به درازا می کشد. اما آنچه مقاله حاضر به دنبال آن است: مطالعه درآمدی و مقدماتی راجع به مفهوم شناسی دیپلماسی و تطور تاریخی دیپلماسی اسلامی با اشاره به مهم ترین اصول و مبادی روابط دیپلماتیک اسلامی است که به نظر نویسنده برای دانشجویان حوزه علوم سیاسی، دست اندر کاران دیپلماتیک، کادرهای اکادمیک و پژوهشگران عرصه روابط بین الملل مفید و ضروری می نماید.

### مفهوم دیپلماسی در اسلام

واژه دیپلماسی Diplomacy از زبان لاتین یونان باستان اشتقاق یافته و در عصرهای اخیر وارد مفهوم روابط بین الملل گردیده است. اعراب در قدیم اصطلاحات «رسول» یعنی فرستاده و «کتاب» یعنی پیام یا نامه را در مفهوم روابط دیپلماتیک به کار می بردند، همانگونه که کلمه «سفارت» نیز به همین مفهوم به کار رفته است.<sup>۱</sup> عرب ها قبل از اسلام معنای سفارت را در مفهوم جدید آن شناخته و آن را در تعاملات خود در حالات حل منازعات، ختم جنگ ها و مبادله منافع تجاری استعمال نموده اند. قریش در این عرصه، نظر به موقعیت مهم سیاسی و اقتصادی شهر (مکه) در میان قبایل و ملل ماحول آن، پیشگام بودند؛ زیرا، موسم های حج مناسب خوبی برای گفتگوها، عقد توافقنامه ها، داد و ستدهای تجاری و مبادله سفارت ها به شمار می رفت.

در این راستا، لوح یافت شده در «سد مأرب» ورود سفارت ها یا فرستادگان را از شهرها و مملکت های مختلف ثابت می سازد که برای تهنیت ابرهه به مناسبت پیروزی اش بالای حمیری ها و تأسیس نخستین دولت مسیحی در یمن در سال ۵۴۳ میلادی حضور یافتند.<sup>۲</sup>

واقعی روایت نموده که قریش در دوران جاهلیت زمانی که فرستاده ای را به نزد برخی پادشاهان اعزام می نمودند، به او چنین توصیه می کردند:

«فرصت را غنیمت بدان، موضوع را از سر آن بگیر نه از دُم آن. هرگز به سفارشگر ذلیل متوسل شو که او وسیله نا توان است، از عجز بپرهیز که سست ترین مرکب است، شکیبایی پیشه کن که سبب کامیابی است و به چالشی داخل مشو تا آنکه انجام آن را اندازه نکنی».<sup>۳</sup>

عمر بن خطاب از سفرای شناخته شده عرب دوران قبل از اسلام بود.<sup>۴</sup> در اوایل اسلام، عمرو بن العاص از جانب قریش به نزد نجاشی امپراتور حبشه فرستاده شد، تا وی را به باز گرداندن مهاجرین مسلمان و تسلیم دهی آنان به قریش تشویق کند؛ اما عمرو در این سفارت موفق نگردید.

۱. مناع القطان، ۱۹۹۲ م، الدبلوماسية فی المجتمع المعاصر، معهد الدراسات الدبلوماسية، الرياض، فبراير ۱۹۹۲.

۲. الغنيمي، محمد طلعت، ۱۹۷۷، الوجيز في قانون السلام، ط ۲، منشأة المعارف بالإسكندرية، ص ۵۸۰.

۳. ابن الفراء، رسل الملوك ومن يصلح للرسالة والسفارة، تحقيق وتعليق: د. صلاح الدين المنجد، القاهرة ۱۹۴۷، ص ۲۸.

۴. حسن فتح الباب، ۱۹۷۰، مقومات السفارة في الاسلام، القاهرة، ص ۱۳.

## تطور مفهوم دیپلماسی اسلامی

با ظهور دعوت اسلام، تغییرات اساسی در اهداف و مقاصد سفارت نسبت به آنچه نزد اعراب شناخته شده بود، رونما گردید؛ به این معنی که کلمه «رسالت» که همان مفهوم فرستادن و سفارت را می‌رساند؛ از دیدگاه قرآن کریم به معنای رسالت انبیا و پیامبران تعبیر گردید؛ چنانچه آیات متعدد قرآنی به این مفهوم دلالت دارند، مانند این قول خداوند متعال: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾.<sup>۱</sup>

ترجمه: چنانچه در میان شما رسولی از خود شما فرستادیم که آیات ما را برایتان تلاوت می‌کند و نفس‌های شما را از پلیدی جهل پاک می‌سازد.

همچنان این فرموده خداوند متعال: ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾.<sup>۲</sup> ترجمه: رسولانی را فرستاد که (نیکان را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند، تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد.

در جای دیگری خداوند منان فرمود: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ﴾.<sup>۳</sup>

ترجمه: ای اهل کتاب، به یقین رسول ما به سوی شما آمد که برای شما (حقایق دین را) بیان می‌کند، در روزگاری که پیغمبری نبود. تا نگوئید رسولی که بشارت و بیم دهد بر ما نیامد.

بدین ترتیب، سفارت از مفهوم مروج آن به سفارت الهی تحول یافت، که طبعاً این گونه سفارت برای تحقق اهداف و مقاصد فکری و عقایدی عالی سعی و تلاش خواهد نمود. در اینجا قابل تأمل این است که قرآن کریم تأکید بر آن داشت که رسول و فرستاده الهی باید از کسانی باشد که به زبان قومی که به سوی آنان فرستاده می‌شود سخن بگوید، تا دعوت وی را بفهمند و برایشان حجت داشته باشد، تا دلیلی برایشان باقی نماند. چنانکه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾.<sup>۴</sup>

ترجمه: وما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش نفرستادیم.

چنانچه این رسول و فرستاده باید از بهترین و برگزیدگان آن قوم بوده باشد. از همین جاست که قرآن کریم از عدم انقیاد و پذیرش آنچه این پیام‌آوران می‌آورند بر حذر می‌سازد؛ چنانکه قرآن کریم چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا، فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا﴾.<sup>۵</sup>

ترجمه: ما به شما رسولی فرستادیم که شاهد اعمال شماست، چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم. تا فرعون نا فرمانی آن رسول کرد ما هم او را به قهر و انتقام سخت بگرفتیم.

پس دیده می‌شود که در آغاز دعوت اسلامی، خاصیت و ماهیت دینی بر سفارت اسلامی غلبه داشت؛ اما زمانی که هجرت به مدینه صورت گرفت و دولت اسلامی تشکیل گردید، اهداف و مقاصد سفارت، توسعه و تحول یافت و مجال آن در چوکات امنیت دولت و تقویت روابط آن با همسایگان از طریق تماس‌ها و عقد تعهدات و روش‌های دیگر، ارتباطات و مناسبات مطابق رویدادهای جدید در جهت روابط میان مسلمانان و نیروهای مخالف و درگیر با ایشان گسترش پیدا کرد، تا آنجا که «مشرکین

۱. سورة البقرة: ۱۵۱.

۲. سورة النساء: ۶۵.

۳. سورة المائدة: ۱۹.

۴. سورة إبراهيم: ۴.

۵. سورة المزمل: ۱۵-۱۶.

خودشان ملاقات پیامبر را طلب می کردند تا پیرامون صلح و دیگر مناسبات شان با وی صحبت کنند.<sup>۱</sup> اما وقتی که دولت اسلامی به اساس عهدنامه صلح حدیبیه با قریش اوضاع داخلی خود را امنیت بخشید، دیپلماسی اسلامی به مرحله پیشرفته ای انتقال یافت و ابتکار را در دست گرفت و پیامبر اسلام سفرای خود را به صوب زعمای قبایل عربی در داخل جزیره عرب و همچنان به نزد امپراتوران و پادشاهان جهان فرستاد و پیام های دولت اسلامی را به آنان انتقال دادند. باید گفت که این سفارت ها با صبغه دعوت دینی؛ دارای اهداف سیاسی بود که اعلام موجودیت دولت اسلامی جدید را پیام می داد. در نامه های پیامبر اسلام روش های بسیار عالی و مؤثر مکاتبات و پیام های سیاسی و دیپلماتیک ملاحظه می شود؛ مانند: مزین ساختن نامه ها با مهر خاص نبوت، افتتاح نامه ها با «نام خداوند» که دارای دلالت های دعوتی و سیاسی بود. چنانکه روایت ابن المسیب به این امر تأکید می کند که: وقتی نامه پیامبر به امپراتور روم رسید و آغاز آن را با «بسم الله» دید، نامه را خواند و گفت: پس از سلیمان بن داوود چنین نامه ای را ندیده ام. پیامبر اسلام در تهیه و ترتیب این نامه ها قواعد و روش های حکیمانه ای را بکاربرده بود که بالای همه کسانی که این نامه ها به سوی شان فرستاده شد تأثیر قوی بجا گذاشت و نتایج مهمی بار آورد؛ به این ترتیب که برخی این نامه ها را پذیرفتند و به اسلام گرویدند، مانند امیر بحرین و برخی از نامه های پیامبر حسن استقبال نمودند؛ مانند مقوقس امپراتور مصر که تحایف پر ارزش را به پیامبر گرامی اسلام اهدا نمود.

همچنان عهد خلافت راشده به صورت طبیعی همان امتداد عهد نبوی بود که آنچه پیامبر اسلام اساس گذاشته بود، در همه عرصه ها توسعه و تکامل یافت. از آن جمله در عرصه روابط سیاسی و دیپلماتیک و فرستادن سفرا و فرستادگان، میان دولت اسلامی و دولت های دیگر رفت و آمد می کردند. چنانچه ابوبکر صدیق در دوران خلافت خود سه بار فرستادگانی را به نزد امپراتور روم فرستاد.<sup>۲</sup> همچنان عمر بن خطاب فرستاده ای را به نزد امپراتور روم فرستاد و فرستادگانی از امپراتور روم به نزد امیر المؤمنین عمر بن خطاب وارد شدند.<sup>۳</sup>

در دوران اموی ها سفارت اسلامی از لحاظ ماهیت و مقاصد، با آنچه در عهد خلفای راشدین بود، تفاوت نکرد. بدین ترتیب با مرور زمان روابط سیاسی میان مسلمانان و ملت های زیاد دیگر توسعه یافت، مبادله هیأت های سیاسی میان مسلمانان با رومیان، چیناییان و دیگران ادامه یافت، تا آنکه سفارت های اسلامی در عهد عباسی ها از لحاظ شکل و محتوا و مراسم تشریفات به شگوفایی رسید و سفارت ها و هیأت های متعدد سیاسی میان دولت اسلامی در بغداد و دولت روم غربی یا فرنگی در اکس لاشاپل و میان دولت اسلامی با روم شرقی در بیزانس به کثرت رد و بدل گردید. همچنان نمایندگان و هیأت های سیاسی متعددی میان دولت اسلامی در اندلس (هسپانیه امروزی) و دولت های روم غربی و شرقی مبادله گردید که تاریخ نگاران مسلمان و همچنان نویسندگان غربی به صورت بسیار پرشکوه و مبالغه آمیز به وصف آن پرداخته اند. بغداد و قرطبه مراکز فعالیت سیاسی و حرکت قوی دیپلماسی بودند که هیأت های متعددی را از شرق و غرب جهان آن روز استقبال می نمودند و بالمقابل مسلمانان هیأت های سیاسی و دیپلماتیک خود را به روم، حبشه، بلغاریا، چین، صقلیه و دیگر مناطق جهان می فرستادند. گفتنی است که برخی این سفارت ها ماهیت فرهنگی و علمی داشتند که به قصد تحقیق و ترجمه کتب نایاب و مبادله علما و دانشمندان در راستای تسهیلات تحقیق و پژوهش صورت می گرفت.

وقتی که دولت عباسی رو به ضعف گرایید و امارت های مستقل اسلامی در اقالیم خلافت اسلامی تشکیل گردید، نوعیت خاصی از حرکت هیأت های سیاسی و دیپلماتیک دایمی در میان اقالیم اسلامی رواج یافت؛ چنانچه فرستادگان فوق العاده

۱. القرطبي الجامع لأحكام القرآن، دارالكتب العربية، ج ۸، ص ۷۷.

۲. قلقشندي، ابي العباس احمد بن علي، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، القاهرة ۱۹۶۳، ج ۶، ص ۳۶۰.

۳. المنجد، صلاح المنجد، النظم الدبلوماسية في الإسلام، بيروت ۱۹۸۳، ص ۸.

خلفای عباسی به صورت دایمی و مقیم به نزد امرا و سلاطین اقالیم اسلامی در دمشق، موصل، مرو، خراسان، نیشاپور و دیگر شهرها اعزام شدند. چنانچه خلیفه عباسی نیز فرستادگان و هیأت‌هایی را از این مراکز و اقالیم در بغداد استقبال می‌کرد. فرستادگان خلیفه امرا و سلاطین اقالیم اسلامی را در سفرهای تفریحی و جنگی‌شان همراهی می‌کردند، وگاهی در حل منازعات و اختلافات داخلی میان امرای اقالیم وساطت و میانجی‌گری می‌نمودند. نمونه‌ای از این وساطت‌ها و میانجی‌گری‌ها در عهد ایوبی‌ها و فاطمی‌ها ملاحظه می‌شود. به گونه مثال: می‌بینیم که فرستاده خلیفه بنام «ابوالفداء» در حل نزاع و کشمکش فرزندان «الملك المظفر» وساطت و میانجی‌گری نمود. این سفارت‌ها نمونه‌های بسیار قدیم تاریخی است که پیشتر از چهار قرن از سفارت‌های دایمی غربی عرض وجود نمودند؛ اما مقدر این بوده که این سفارت‌ها به صورت طولانی ادامه نیابد، مخصوصا با هجوم تترار و مغول در سال ۶۵۶ ه. ق به بغداد آثار آن نابود گردید.<sup>۱</sup>

### نظام دیپلماسی اسلامی

تعبیر «نظام حضرتین» را پژوهشگر روابط بین الملل و دیپلماسی دکتر محمد طلعت غنیمی مرادف اصطلاح «نظام دیپلماسی» به کاربرده چنین استدلال می‌کند: «در واقع ترویج و انتشار تعبیر و اصطلاحات غربی در نوشته‌های نویسندگان عرب مرا واداشت تا مرادف و مقابل اصطلاح «نظام دیپلماسی» را در متون اسلامی و در زبان عربی جستجو نمایم که به توفیق خداوند به واژه‌ای دست یافتم که عباسی‌ها آن را در روابط دیپلماتیک شان به کار می‌بردند و آن عبارت از واژه «نظام حضرتین» است. این تعبیر را نسبت سلامت دلالت آن از لحاظ زبانی و اصطلاحی انتخاب نمودم. این نویسنده می‌گوید: «حضور در لغت مقابل غیابت است که در متون عربی و در زبان عربی به معنای حضور، نزدیکی و مرافقت آمده است». در واقع شخص حاضر از نزدیک مشاهده و مراقبت می‌کند و به خیر و نیکی سعی و تلاش می‌ورزد. از آنجا که دولت فرستنده می‌خواست از طریق فرستاده خود به رویدادها و مجریات امور در نزد طرف مقابل آگاه باشد و روابط نیک خود را بر اساس این مشاهدات و حسن اطمینان تقویت بخشد. همچنان دولت پذیرنده با استقبال از فرستاده طرف مقابل می‌خواهد حسن نیت خود را به دولت فرستنده نشان داده با آن نزدیک شود. بدین ترتیب هر دو دولت هم فرستنده و هم پذیرنده هستند. بنابراین، اصطلاح «نظام حضرتین» یک تعبیر مناسب دیپلماتیک است که در زبان عربی استعمال گردیده و در دولت اسلامی دوران عباسی‌ها به همین مفهوم «نظام دیپلماتیک» یا نمایندگی دیپلماتیک به کار رفته است. از این رو من بهتر مناسب دانستم این اصطلاح را به جای اصطلاح غربی و انگلیسی به کار برم». نویسنده مناسب می‌داند که این اصطلاح فقط برای سفرا و یا فرستادگان فوق العاده به کاربرده شود. زیرا در زبان عربی اصطلاح دیگری برای دیپلمات عادی به کار رفته است که بنام «الشحنه» یاد می‌شود که بیشتر مسؤولیت مراقبت و تهیه گزارشات را می‌رساند. این نوع فرستادگان عموماً در اطراف مرکز خلافت اسلامی مقیم بودند و وظایف خود را انجام می‌دادند.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد این تعبیر اجتهاد خوبی است که نویسنده در راستای دریافت اصطلاح بدیل غربی انجام داده است. در حالی که اکثر نویسندگان عرب و نویسندگان شرقی همان اصطلاحات و تعبیرهای وارداتی نویسندگان غربی را به کار می‌بردند. اینجاست که اجتهاد و ابتکار این نویسنده مسلمان حامل پیام‌ها و دلالت‌های علمی بوده در راستای تأسیس قواعد دیپلماسی اسلامی با ارزش است. این روند به دقت و جد و جهد فراوان دانشمندان و پژوهشگران مسلمان بستگی دارد که اسناد و شواهد نظری و عملی رویدادها و نظریات روابط بین الملل اسلامی را از متون و حواشی علوم و فنون و کتاب‌های مختلف

۱. الغنیمی، منبع گذشته، ص ۳۶۰.

۲. همان، ص ۵۷۳-۵۷۵.

۳. همان، ص ۵۷۶.

بیرون آورند و آن را در چارچوب مطالعات سیاسی و دیپلماسی امروزی تحلیل و ارزیابی نمایند، تا اصطلاحات و تعبیرات و شواهد اسلامی بیشتر ترویج شود و نسل‌های امروز و فردای ملت‌های مسلمان با فرهنگ سیاسی و اسلامی خویش بیشتر آشنا شوند؛ زیرا روحیه تقلید کورکورانه غربی طوری در اذهان و اندیشه‌های بسیاری نویسندگان شرقی ریشه دوانیده که به آسانی نمی‌توان آن را از فکر و اندیشه این گونه نویسندگان بیرون ساخت.

با در نظر داشت آنچه گفته شد، واضح می‌شود که مسلمانان مدت‌ها پیش در دوره‌های مختلف دولت‌های اسلامی مفهوم دیپلماسی را به صورت نظری و عملی تمرین و تجربه کرده اند. هرچند آن‌ها اصطلاح دیپلماسی را به کار نبردند؛ زیرا این اصطلاح مانند سایر اصطلاحات پدیده‌های جدید هستند و در آن زمان‌ها مورد استعمال نبودند. در حالی که مسلمانان مفهوم دیپلماسی را با دلالت‌ها و معانی کاربردی آن در روابط سیاسی‌شان با ملت‌ها و دولت‌های دیگر، در حالت‌های جنگ و صلح استعمال نموده، فنون مذاکرات، معاهدات، مراسلات و منافع متقابل خویش را با توانایی و مهارت به کار برده اند. البته در این راستا سنت و سیرت پیامبر اسلام رهنما و الگوی خوبی می‌باشد؛ زیرا پیغمبر اسلام با مخالفان و دشمنان خود گفتگو می‌نمود و با آنان توافقی‌ها و معاهدات صلح امضا می‌کرد، سفرا و فرستادگان را استقبال می‌نمود و پس از تحکیم پایه‌های دولت اسلامی، نخستین اقدامی که انجام داد همانا فرستادن سفرا و پیام‌ها به نزد پادشاهان و زعمای عصر خود بود که آنان را به پذیرش اسلام و زندگی مسالمت‌آمیز به عنوان رحمت برای جهانیان دعوت نمود.

اسلام مصونیت سفیر را تثبیت و تأکید نموده است؛ قاعده‌ای که در اصطلاح معاصر قانون بین الملل عمومی بنام «مصونیت شخصی» شناخته می‌شود و تاریخ در هیچ جایی و در هیچ واقعه‌ای به یاد ندارد که پیامبر اسلام یا خلفای راشدین و دیگر پیشوایان دولت اسلامی این قاعده را نقض کرده باشند.<sup>۱</sup>

مفهوم دیپلماسی اسلامی بر اساس ذکاوت و هوشیاری، صداقت و حسن تصرف استوار است، که این مفاهیم همه از مستلزمات دعوت اسلامی می‌باشند. دیپلماسی از دیدگاه اسلام یک وظیفه و مسؤولیت شریف و عالی است؛ زیرا دیپلماسی خود یکی از وسایل و روش‌های دعوت اسلامی است. چون دعوت اسلامی یک امر شریف و نبیل است، باید وسایل و روش‌های آن نیز شریف و نبیل بوده باشد. برخلاف دیدگاه‌های برخی نویسندگان غربی که دیپلماسی را با اوصاف و مشخصات نفاق و نیرنگ و عملکرد فریب و دروغ تعبیر و تعریف نموده اند.<sup>۲</sup>

این همه دلالت بر آن دارد که مسلمانان در دوره‌های پیشین دیپلماسی را به مفهوم عملی آن شناختند و تطبیق نمودند؛ اگرچند اصطلاح دیپلماسی را استعمال نکرده اند، زیرا این اصطلاح از پدیده‌های جدید و زاده عصرهای بعدی است و با مفهوم جدیدش بعد از قرن پانزدهم میلادی شناخته شده و به کار رفته است.

### مبادی و راهکارهای دیپلماسی اسلامی

قرآن کریم و سنت نبوی قواعد و مبادی عام را در مجال روابط بین الملل و روابط دیپلماسی دولت اسلامی با کشورها و گروه‌های دیگر به کار برده است. دولت اسلامی از آغاز تأسیس تحت رهبری پیامبر اسلام و بعد از وی خلفای راشدین، قبل از پیدایش قوانین و میثاق‌های بین المللی، این مبادی و روابط را عملی نموده؛ سپس با توسعه و گسترش جغرافیای دولت اسلامی و پیچیدگی مناسبات و تبادل منافع دولت اسلامی با دولت‌ها و ملت‌های دیگر، فقهای مسلمان به شرح و استنباط

۱. سرحان، دکتور عبد العزیز محمد، ۱۹۷۴ م، قانون العلاقات الدبلوماسية والقنصلية، القاهرة، ۱۹۷۴، ص ۱۸-۱۹.

۲. نویسنده و دیپلمات مشهور انگلیس (سرهنری وتون ۱۵۶۸-۱۶۳۹) گفته است: دیپلمات یک شهروند شریف است که دولت متبوع اش وی را به دولت دیگری می‌فرستد تا مهنت دروغ و فریب را تمرین کند.

احکام مربوط به تعامل دولت اسلامی با دولت‌های دیگر پرداختند و قواعد و مبادی تفصیلی در روند روابط بین‌الدول و روابط دیپلماتیک وضع نمودند که به طور نمونه به چند مورد مهم قواعد و مبادی دیپلماسی اسلامی به شرح زیر اشاره می‌نماییم:

### مبدأ وحدت اصل بشری

اسلام به جنس بشر به نظر بسیار عمیق و بعید می‌نگرد؛ به این ترتیب که افراد جنس بشر از دیدگاه اسلام از اصل واحد سرچشمه می‌گیرند؛ یعنی از یک مرد و زن (آدم و حوا) که همه نسل بشر به آنان بر می‌گردد. این است مبدأ برادری انسانی عام که اسلام آن را به ارمغان آورد و وحی الهی آن را تثبیت و تأکید کرد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای مردم، بترسید از پروردگار تان، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم آن جفت او را خلق و از آن دو تن مردان و زنان بسیار در اطراف عالم پراکند. و بترسید از آن خدایی که بنام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید و در باره ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست.

اسلام با این خطاب فراگیر الهی وحدت جنس بشری را تأکید نموده و همه انسان‌ها را به پروردگارشان بر می‌گرداند که آنان را از نفس واحد آفریده و هیچ اعتباری به تفاوت‌های جنسیتی، رنگ و زبان و صورت‌شان قایل نمی‌شود. این خطاب قرآنی به حقایق و دلالت‌های عمیق و بعیدی اشاره دارد. پیامبر گرامی اسلام در همین راستا فرموده است: «الناس لآدم، وآدم خلق من تراب»<sup>۲</sup>. یعنی همه انسان‌ها به آدم بر می‌گردند و آدم از خاک آفریده شده است.

پس دیپلماسی اسلامی با استناد به این اصل عام، با انسان از یک دیدگاه ژرف و فراگیر برخورد نموده، خیر و نیکی و سعادت را برای همه بشریت طلب می‌کند و بر تفاوت‌ها و اختلافات فرعی و عارضی قومیت، رنگ، زبان، وطن و امثال آن نگاه می‌کند. با این دیدگاه، اسلام تجاوز به نفس یک انسان را تجاوز به انسانیت می‌داند، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾<sup>۳</sup>.

ترجمه: بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.

آری، همراه با این برادری انسانی عام و فراگیر، هرگاه اخوت ایمانی یکجا شود، بدون تردید، رابطه انسانی را بیشتر مستحکم ساخته، حقوق و نتایج مثبت آن بهتر و بیشتر می‌گردد. چنانکه خداوند متعال فرموده: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾، و پیامبر اسلام آن را تأکید و تفسیر نموده است: (المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلّمه ولا يخذله)<sup>۴</sup>. یعنی مسلمان برادر مسلمان است؛ بر او ظلم نمی‌کند، او را به دشمن تسلیم نمی‌کند و خوار و ذلیلش نمی‌سازد.

### مبدأ جهانی بودن دعوت اسلامی

از مبادی جهان‌بینی اسلام این است که خداوند متعال انسان را بیافرید و او را با عطیه عقل و خرد بر سایر مخلوقات برتری بخشید و به وی امر نمود به صورت همه‌جانبه و با اظهار عبودیت و انجام وظیفه خلافت در روی زمین به عبادت پروردگار

۱. سورة النساء: ۱.

۲. روایت ترمذی و ابوداود.

۳. سورة المائدة: ۳۲.

۴. روایت بخاری.

بپردازد و در همه حرکاتش به سوی او تعالی بر گردد. خداوند متعال فرمود:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾.<sup>۱</sup>

ترجمه: پس تو مستقیم روی به جانب دین اسلام آور؛ در حالی که از همه ادیان روی به خدا آری و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است دین حق و استوار.

بدین ترتیب خداوند متعال فطرت واحد بشری را با این دین حق و استوار با انسجام و هماهنگی، بر اساس سنت ثابت و غیر قابل تغییر خود پیوند داده است. چنانکه پیامبر گرامی اسلام این پیوند را چنین زیبا تصویر نموده می‌فرماید: (كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ نَصْرَانِهِ أَوْ يَمَجَّسَانِهِ).<sup>۲</sup> یعنی: هر مولودی با فطرت سلیم الهی تولد می‌شود؛ پس پدر و مادرش [محیط پرورش] وی را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی بار می‌آورد.

بدین ترتیب، انسان مخلوقی است دارای فطرت سلیم، که با این فطرت خیر و شر را تمیز می‌کند؛ اما چون این انسان دارای نفسی است قابل انحراف، پس خداوند متعال با مشیت خود از میان مخلوقاتش پیامبرانی را بر گزید تا به هدایت و رهنمایی بشر بپردازند و انسان‌ها را در هنگام انحراف از مقتضای فطرت، دوباره به فطرت سلیم‌شان برگردانند تا حجت بر آنان قایم شود. ﴿رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾.<sup>۳</sup>

ترجمه: رسولانی که بشارت دهند و بترسانند تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد. خداوند متعال انبیا و پیامبران خود را پی هم و در یک تسلسل واحد به امتداد تاریخ فرستاده است: ﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى﴾.<sup>۴</sup> ترجمه: سپس پیغمبران خود را پی در پی فرستادیم. ﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾.<sup>۵</sup> ترجمه: و هیچ امتی نبوده مگر آنکه در میان‌شان ترساننده‌ای بوده است.

سرانجام بنای رسالت‌های الهی، با رسالت جهانی جاودان و خاتم شرف نزول یافت و این بنای شامخ تکمیل شد و ختم کاروان پیامبران اعلام گردید. چنانکه پیامبر گرامی اسلام این اصل را با زیبایی و ابداع به تصویر کشیده می‌فرماید: (إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ إِلَّا مَوْضِعَ لَبَنَةٍ مِنْ زَاوِيَةِ النَّاسِ فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبَنَةُ قَالَ فَأَنَا اللَّبَنَةُ وَأَنَا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ).<sup>۶</sup> یعنی: همانا مثال من و انبیای قبل از من مانند مردی است که خانه‌ای را با دقت و زیبایی بنا کرده، مگر جای خشتی در زاویه‌ای از آن بنا باقی گذاشته شده است. چون مردم به دور این خانه می‌گردند و با اعجاب و تحسین به آن می‌نگرند و می‌گویند: کاش این خشت باقی مانده نیز گذاشته می‌شد، پیامبر گفت: من همان خشت باقی مانده در این بنا و ختم‌کننده پیامبران هستم.

بنابراین، رسالت خاتم و تکمیل‌کننده و برگزیده خداوند آمده است تا آنکه دنیا و آنچه در دنیا باقیست، باقی بماند. چنانچه خداوند متعال به وحدت شریعت خود از ابتدا تا انتها تأکید نموده است: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾.<sup>۷</sup>

۱. سورة الروم: ۳۰.

۲. (بخاری، رقم الحديث: ۱۳۸۵).

۳. سورة النساء: ۱۶۵.

۴. سورة المؤمنون: ۴۴.

۵. سورة فاطر: ۲۴.

۶. متفق علیه.

۷. سورة الشورى: ۱۳.

ترجمه: خداوند شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز در آن تفرقه نکنید.

وهمچنان فرمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>۱</sup>.

ترجمه: امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم.

بنا بران، جهانی بودن رسالت اسلام و جاودانگی و فراگیر بودن آن برای انسان، دیدگاه و بعد ویژه و متمایزی پیرامون روابط بین الملل و دیپلماسی اسلامی می‌بخشد. زیرا، دیپلماسی که در پرتو این مبدأ کامل و فراگیر حرکت می‌کند، ریشه در امتداد زمان و مکان دارد و سزاوار است بشریت را به ساحل نجات و خیر و سعادت رهبری کند.

مبدأ شناخت و همکاری به نیکی

این یک امر طبیعی است که وقتی اسلام وحدت جنس بشری را با برگرداندن آن به اصل واحد و به خانواده واحد تثبیت و تأکید می‌نماید، لازمه این امر آن است که رابطه میان افراد این خانواده بزرگ را بر اساس نیکی و عدالت، معرفت و همکاری برقرار می‌سازد. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾<sup>۲</sup>.

ترجمه: ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمايند، همانا خدا دانا و آگاه است.

هرگونه معیارها و موازین تفاوت‌های بشری بر اساس قوم، رنگ، زبان، نژاد، قدرت، مال و دارایی و نظایر آن در میزان انسانی اسلام جای ندارد، به جز میزان و معیار واحد که توسط آن انسان‌ها سنجش می‌شوند و آن عبارت از میزان ایمان، خیر و نیکی و عدالت می‌باشد و مسلمان مکلفیت دارد حتی با کسانی که با وی در دین مخالفت دارند، با همین مبدأ بر اساس نیکی و عدالت برخورد نماید و با آنان رابطه انسانی سالم برقرار سازد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۳</sup>.

ترجمه: خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست دارد.

این آیه مبارکه، مبدأ اساسی بزرگ را در تعامل انسانی و رابطه دولت اسلامی با غیر مسلمانان در راستای سلوک و همکاری با نیکی برقرار می‌سازد. ابن جریر طبری در تفسیر این آیت، پس از ذکر نظریات مختلف راجع به مدلول این آیه مبارکه می‌گوید: «قول صواب و برگزیده در این باب این است که خداوند منع نمی‌کند شما را در تعامل تان با همه اصناف ملت‌ها و ادیان که با آنان نیکی کنید و رابطه برقرار سازید و با عدالت رفتار نمایید».

مدلول این قول خداوند جل جلاله ﴿الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ﴾ ترجمه: آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیار تان بیرون نراندند. عام است و همه آنان را که دارای این صفت بوده باشند در بر می‌گیرد و برخی را بر برخی دیگر تخصیص نکرده است و قول کسانی که این آیه را منسوخ می‌دانند معنی ندارد؛ زیرا نیکی

۱. سورة المائدة: ۳.

۲. سورة الحجرات: ۱۳.

۳. سورة الممتحنة: ۸.

مؤمن در برابر اهل حرب بر اساس قرابت نسب و یا غیر قرابت، اساساً حرام و نهی نشده است؛ در صورتی که در این امر از جانب آن شخص و یا اهل حرب تجسس و پیگیری اسرار مسلمانان و یا تقویت دشمنان مسلمانان با سلاح و دیگر وسایل مطرح نبوده باشد. در باب صحت آنچه گفتیم داستانی که از ابن الزبیر در مورد اسماء و مادرش بیان گردیده گواه روشن است که به روایت بخاری و مسلم اسماء بنت ابوبکر گفته است: در حالی که مادرم مشرک بود و در صف قریش قرار داشت، بعد از صلح حدیبیه به دیدن من آمد، من به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم و به ایشان گفتم: ای رسول خدا، مادرم آمده است؛ در حالی که از اسلام رو گردان (مشرک) است، آیا با وی - بر اساس صله رحم - نیکی کنم؟ پیامبر فرمود: «بلی، با وی نیکی کن (صله رحم را بجا آر)».<sup>۱</sup>

اسلام نفس بشری را تکریم و حرمت می‌گذارد؛ صرف نظر از آن که عقیده، قوم و ملت این نفس چه باشد. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام عبور دادن جنازه‌ای برخاست، به آن حضرت گفتند که این جنازه یهودی است! پیامبر فرمود: آیا نفس نیست!<sup>۲</sup>

پیامبر اسلام میثاق یا عهد نامه مدینه را نوشت و در آن با قبایل سه گانه یهود معاهده بست و حقوق آنان را به صورت کامل تضمین نمود، تا آنکه آنان معاهده را نقض نکردند و به خیانت دست نزدند، هرگز به آنان آزار و اذیتی متوجه نگردید. همچنین پیامبر خدا با مشرکین قریش در حدیبیه معاهده امضا نمود و شرایط آنان را با وجود سنگینی و نا گواری آن بر مسلمانان، پذیرفت که این همه بر سماحت اسلام و تأکید بر مبدأ همزیستی و همکاری با عدل و نیکی و گسترش صلح میان انسان‌ها و آزادی فکر و اندیشه و دعوت با روش نیکو در روابط دیپلماتیک دلالت می‌نماید.

### مبدأ قدسیت عهد و پیمان

وفا به عهد و پیمان و التزام به آن یکی از قواعد محکم و اساسی شریعت اسلامی است. در سرلوحه این عهد و پیمان‌ها، عهد و پیمان بنده با پروردگارش قرار دارد که خالق خود را به یگانگی بشناسد. خداوند متعال فرموده است: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ، وَأَنْ عِبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾.<sup>۳</sup> ترجمه: آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را نپرستید؛ زیرا روشن است که او دشمن بزرگ شماست؟! و مرا پرستش کنید که این راه مستقیم است؟!<sup>۴</sup>

همچنان این قول خداوند متعال که فرموده است: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ﴾.<sup>۵</sup> ترجمه: و چون با خدا عهدی بستید، بدان عهد وفا کنید.

ملاحظه می‌شود که آیه کریمه در آغاز عهد و پیمان را، عهد خداوند خوانده است تا قدسیت عهد و پیمان را تثبیت نموده، بندگان خدا را از نقض آن برحذر نماید. چنانچه خداوند متعال به التزام به عهد و پیمان در آغاز سوره مائده امر نموده می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾.<sup>۶</sup> ترجمه: ای اهل ایمان، به عهد و پیمان خود وفا کنید.

همچنان قرآن کریم نقض عهد و پیمان و آثار بد آن را به صورت مؤثر و ترسناکی تشبیه و تصویر نموده می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ عُزْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا﴾.<sup>۷</sup>

۱. القرطبي، ج ۲۸: ۴۱.

۲. روایت بخاری.

۳. سوره یس: ۶۰-۶۱.

۴. سوره النحل: ۹۱.

۵. سوره المائدة: ۱.

۶. سوره النمل: ۹۲.

ترجمه: و نباشید مانند زنی که رشته خود را پس از تاییدن محکم باز نمود.

پیامبر اسلام به وفا به عهد و پیمان تأکید نموده تا آنجا که جنگ و دشمنی خود با عهدشکنان را اعلام نموده است. چنانکه می فرماید: (ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ، وَمَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ خَصْمَتُهُ) یعنی: من با سه دسته اشخاص خصم و دشمن هستم و کسی را که دشمن باشم، با او خصومت خواهم نمود. سپس این سه گروه را چنین معرفی می نماید: «رجل أعطى ذمتي ثم خفر، ورجل باع حرا وأكل ثمنه، ورجل استأجر أجيرا ولم يعطه أجره»<sup>۱</sup>. یعنی مردی که عهد مرا به کسی بدهد و سپس آن را نقض کند و مردی که شخص آزادی را بفروشد و بهای آن را بخورد و مردی که مزدور کاری را به کار بگمارد و اجوره وی را ندهد.

پس اسلام تحت هیچ شرایط و ذرایعی به نقض عهد اجازه نمی دهد؛ شرایط و ذرایعی که حتی در عصرهای جدید بسیاری دولت ها و گروه ها تحت عنوان «منافع ملی»، «امنیت ملی»، «منافع دولت ها» و دیگر نام ها و بهانه ها به نقض عهد و پیمان دست می زنند. چنانچه از دیدگاه اسلام خصومت و دشمنی و اختلاف نظر موجب غدر و نقض عهد و حمله غافل گیرانه بالای دشمن نمی شود؛ اگر چه طرف مقابل به نقض عهد بپردازد، باز هم جانب دولت اسلامی باید به طور علنی از ابطال عهد و پیمان بسته شده به دشمن خبر بدهد و آن گاه به اقدامات لازم بپردازد. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾<sup>۲</sup>.

ترجمه: و هرگاه از خیانت کاری گروهی (از معاهدین خود) سخت می ترسی، در این صورت تو نیز با حفظ عدل و درستی، عهد آن ها را برگردان که خدا خیانتکاران را دوست نمی دارد.

در سیرت پیامبر اسلام می خوانیم که رسول خدا به تعقیب جنگ احد به تعداد چهل تن از انصار را به امارت منذر بن عمرو به نجد فرستاد تا مردم را تعلیم اسلام و قرآن بدهند. این گروه دعوتگران وارد قبیله بنی عامر گردیدند. عامر بن الطفیل بزرگ قبیله همه این گروه را به قتل رساند و تنها یک تن ایشان بنام عمرو بن امیه نجات یافت. در اثنای باز گشت عمرو بن امیه به طرف مدینه منوره، با دو تن افراد قبیله بنی عامر روبرو شد در مقابل غدر و جنایت قبیله بنی عامر و در انتقام از شهدای مسلمانان این دو تن را به قتل رساند. وقتی پیامبر اسلام از این امر آگاه شد به عمرو بن امیه گفت: «کار زشتی انجام دادی؛ دو مردی را به قتل رساندی که به آنان امان و پناه داده شده بود». عامر بن طفیل (زعیم قبیله بنی عامر و قاتل مسلمانان) شخصی را به نزد پیامبر خدا فرستاد و طالب خون بهای این دو مقتول شد. پیامبر خدا با تعدادی از بزرگان یاران خود به نزد قبیله یهودی بنی نضیر رفتند که در آن وقت هم پیمان قبیله بنی عامر بودند، تا با میانجی گری و همکاری آنان دیت افراد مقتول بنی عامر را بپردازد؛ در حالی که پیامبر خدا در میان قبیله بنی نضیر نشسته بود، سران یهود بنی نضیر اراده قتل پیامبر را نمودند.<sup>۳</sup>

اینچنین است مبدأ وفا و التزام به عهد و پیمان در اسلام و با یقین می توان گفت که هیچ دین و هیچ تمدنی، چه در گذشته و چه در حال حاضر مانند اسلام تأکید و التزام به عهد و پیمان نداشته است؛ زیرا وفا به عهد و پیمان یک مبدأ و یک اصل مدنیتی و عامل اساسی تقویت روابط بشری است و نقض عهد و پیمان سبب قطع و نابودی روابط بشری می شود و آثار بدی از بی اعتمادی و بی باوری را در جامعه به سطح افراد و گروه ها به بار می آورد.

۱. الشیبانی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۵، ص ۳۹.

۲. سورة الأنفال: ۵۸.

۳. ابن هشام، ج ۳، ص ۴۴. حسن ابراهیم، ۱۹۷۰، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲.

علما و مفسرین اسلام عهد و پیمان را به شش دسته تقسیم نموده اند: عهد خداوند مبنی بر آنچه حلال و حرام گردانیده است، عقد پیمان معاهده و ائتلاف، عقد شراکت، عقد خرید و فروش، عقد نکاح، عقد قسم که آیات قرآن کریم همه اشکال و انواع این عهد و پیمان‌ها را شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

علمای شریعت اسلامی گفته اند که وجوب وفا و التزام به عهد و پیمان حتی بر اصل نصرت و همکاری میان مسلمانان مقدم می‌گردد.<sup>۲</sup> و این مفهوم را به این قول خداوند متعال استدلال نموده اند که می‌فرماید: ﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾.<sup>۳</sup>

ترجمه: اگر از شما در کار دین و پیشرفت اسلام مدد خواستند، بر شماست که آن‌ها را یاری کنید، مگر در مقابل قومی که با شما عهد و پیمان بسته اند.

اسلام به همان اندازه که به اصل وفا به عهد و پیمان تأکید نموده، به همان اندازه به اصل امتناع از غدر و نقض عهد تأکید ورزیده است. بدین ترتیب التزام به عدم غدر خودش چهره سلبی قاعده وفا به عهد در شریعت اسلامی می‌باشد. غدر و نقض عهد به اتفاق ائمه و پیشوایان دین حرام و ممنوع است؛ چه در برابر مسلمان باشد و یا در مقابل غیر مسلمان؛ اگرچه شخص معاهد یا طرف پیمان کافر هم بوده باشد. خداوند متعال در کتاب خود وفا به عهد و پیمان با مشرکان را، در صورتی که آنان به نقض عهد مبادرت نکنند، تأکید نموده است.<sup>۴</sup>

احادیث نبوی زیادی مبنی بر تأکید بر امتناع از غدر و نقض عهد وارد گردیده و پیامبر اسلام از غدر و نقض عهد توسط زمامداران و حکمرانان دولت اسلامی؛ مخصوصاً کسانی که مسؤولیت گردانندگی روابط خارجی و عقد معاهدات را به عهده دارند، تأکید نموده است. پیامبر اسلام فرموده است: «لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُرْفَعُ لَهُ بِقَدَرِ غَدْرِهِ، أَلَا وَلَا غَادِرَ أَعْظَمُ غَدْرًا مِنْ أَمِيرٍ عَامَّةٍ».<sup>۵</sup> یعنی: برای هر غدر کننده عهدی در روز قیامت به اندازه غدرش لوایی بر افراشته می‌شود و هیچ غدر کننده‌ای بزرگتر از غدر یک امیر و پیشوای مردم نمی‌باشد. امام شوکانی می‌گوید: «این حدیث دلیل قاطع و تحذیر شدید بر تحریم غدر است، مخصوصاً غدر توسط زمامدار امور عامه؛ زیرا نتایج غدر وی به خلق زیادی منجر می‌شود و نسبت اینکه وی نظر به قدرت و توانایی که به التزام و وفا به عهد دارد، مجبور نیست غدر و نقض عهد کند». عالم مشهور قاضی عیاض می‌گوید: «این حدیث در ذم و نکوهش امام و زمامداری وارد گردیده که در عهد و پیمان با رعیت و زیر دستانش غدر نماید و یا در مسؤولیت امامت و زمامداری که متصدی آن گردیده و در آن عهد و پیمان نموده است، تخلف ورزد. پس هرگاه در اجرای عهدش بترسد و یا اینکه ترحم و نرمش را ترک نماید، در عهد و پیمانش غدر نموده است». همچنان گفته شده است که این حدیث در برگیرنده عهد و پیمان رعیت و عامه مردم نیز است که بر امام و پیشوای خود بغاوت و نا فرمانی نکنند تا منجر به فتنه نگردد.<sup>۶</sup>

از بهترین نمونه‌های عملی التزام دولت اسلامی به عدم غدر و نقض عهد روایتی است که بلاذری در کتاب خود (فتوح البلدان) چنین روایت نموده است:

۱. علی منصور، ۱۹۶۵، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۲. محمد، ابوالوفا، ۱۹۹۰، ص ۱۱۸.

۳. سورة الأنفال: ۷۲.

۴. ابن رجب، جامع العلوم والحکم، ص ۴۰۵.

۵. روایت بخاری.

۶. الشوکانی، ۱۹۸۳، ص ۲۹.

وقتی عمر بن عبدالعزیز مسؤولیت خلافت اسلامی را به عهده گرفت، هیأتی از مردم سمرقند به نزد وی آمدند و از فرمانده عمومی ارتش اسلام در خراسان به وی شکایت نمودند که با غدر داخل شهرشان گردیده و مسلمانان را در آن جا بجا نموده است. عمر بن عبدالعزیز به والی مجاور منطقه سمرقند نامه‌ای نوشت و به وی دستور داد که موضوع را به قاضی مسلمانان پیشکش کند. هرگاه دعوای آنان صحیح ثابت شود، مسلمانان از شهر سمرقند بیرون شوند. مطابق به نامه خلیفه موضوع به قاضی مسلمانان (جمیع بن خاطر الباجی) پیشکش گردید. قاضی مسلمانان بعد از بررسی موضوع، دستور داد تا ارتش مسلمانان از شهر سمرقند بیرون شوند. در این وقت مردم شهر سمرقند از عدالت مسلمانان و اسلام شگفت زده شدند و آن را تمجید نمودند و با خشنودی و رضایت به اسلام گرویدند.<sup>۱</sup>

در میان رومی‌ها و فارس عادت بر این بود که در هنگام عقد معاهدات، گروگان‌هایی را از یکدیگر می‌گرفتند تا تنفیذ معاهده ضمانت شود. مسلمانان نیز از باب معامله بالمثل در معاهدات‌شان با رومی‌ها به این مبدأ عمل نمودند. بسا اوقات گروگان‌های مسلمانان توسط رومیان به قتل می‌رسیدند؛ در حالی که گروگان‌های رومیان در نزد مسلمانان با عزت و احترام نگهداری می‌شدند. همچنان مسلمانان در هنگام شروع جنگ گروگان‌های دولت متخاصم را یا آزاد می‌ساختند و یا از آنان به خوبی نگهداری می‌کردند؛ در حالی که دولت مقابل گروگان‌های مسلمان را در حالت جنگ یا زندانی و یا به قتل می‌رساندند. معاویه بن ابوسفیان در هنگام عقد معاهده با رومیان (بیزانس) به عنوان ضمانت عدم غدر معاهده، گروگانانی از رومیان گرفت؛ اما رومیان به این معاهده غدر کردند و حضرت معاویه گروگان‌های آنان را به ایشان مسترد کرد و گفت: «مقابله غدر با وفا بهتر از آن است که غدر را با غدر جواب داد».<sup>۲</sup>

بنا بر آنچه ذکر گردید، وفا به عهد و پیمان‌ها در روابط خارجی و مناسبات دیپلماتیک یکی از مشخصات بارز و متمایز جامعه اسلامی است که عهدی را نقض نمی‌کند و به پیمانی غدر نمی‌ورزد؛ زیرا وفا به عهد از دیدگاه اسلام بُعد دینی می‌گیرد که بر جامعه اسلامی در سطح افراد و گروه‌ها و دولت الزامیت دارد؛ زیرا این وفایی است که بر اساس ایمان استوار است، چنانچه این وفا داری بُعد عقایدی و تعبدی دارد. بنابراین، مسلمانان با پیمان‌ها و معاهدات خود باقی می‌مانند در صورتی که دیگران به نقض و غدر به آن اقدام نکنند. وقتی موقف شریعت اسلامی و دولت اسلامی در باب قاعده و مبدأ وفا به عهد و عدم غدر اینچنین باشد، پس موقف ادیان و تمدن‌های دیگر در مورد این مبادی و التزام به آن چگونه است؟

در کتاب «قانون بین الملل اروپایی» آمده است: پاپ‌ها طی قرون متمادی حق انجام حلف نامه‌ها و نقض آن را به خود اختصاص داده بودند. پاپ اوربان ششم همه پیمان‌ها و معاهداتی که با امرای ملحدین و یا جدایی طلبان از کلیسای رومانی بسته شده بود را تحریم نمود و پیمان‌های عقد شده را باطل اعلام کرده، پادشاهان و امرای پیرو کلیسای کاتولیک را از این معاهدات و پیمان‌ها معاف ساخت و التزام به آن را حرام خواند.

همچنان پولس سوم اعلام نمود که همه معاهدات که با ملحدین در آینده بسته شود باطل است، اگر چه با قسم‌ها تأکید شده باشد. حتی در آغاز دوران اصلاح دینی که مارتن لوتر اذعان نمود، می‌بینیم که پاپ گول دوم فردینان کاتولیک را در معاهداتش با لویی دوازدهم معاف می‌سازد. مارتن لوتر گفت: «باید نمایندگان پاپ را همراه با صکوکی که با بهای بلند می‌فروشدند و ما را می‌فریبند از آلمان بیرون کنیم؛ حرام است که پول‌هایی را به خاطر مشروعیت بخشیدن پادشاهی ظالمانه یا به خاطر نقض و ابطال عهد و پیمان‌ها بپردازیم». چنانچه چون بدن در جریان قرن شانزدهم در راستای احترام تعهدات... و از همان آوان نظریه‌ای که به پاپ صلاحیت بخشید تا مردم و پادشاهان و امرا را از معاهدات تأکید شده با قسم معاف نماید،

۱. ابن الأثیر، ۱۹۶۶، الکامل فی التاریخ: ص ۲۲. علی منصور، منبع گذشته، ص ۳۰۰.

۲. دفع الله، ۱۹۹۷، منبع گذشته، ص ۱۰۹-۱۱۰. مجید خدوری، ۱۹۷۳، منبع گذشته، ص ۲۹۰-۲۹۱.

مبارزه سختی را انجام داد. در این راستا می توان به قواعدی اشاره نمود که پاپ ها بالای قبایل امریکای تسخیر شده تطبیق نمودند و آنان را از اموال و دارایی های شان محروم ساختند و خون شان را مباح گردانیدند.<sup>۱</sup>

همچنان پاپ نگوای چهارم (۶۸۷-۶۹۲ ه/ ۱۲۸۸-۱۲۹۲ م) و پاپ اربانوس ششم (۷۸۰-۷۹۲ ه/ ۱۳۷۸-۱۳۸۹ م) از صدور این فتوای دینی تاریخی - شگفت انگیز - درنگ و باکی نکردند: «غدر گناه است اما وفا با مسلمانان گناه بزرگتر است» چنانچه قرآن کریم این مقوله را پیش از ایشان از یهودیان نقل می کند که می گفتند ما در برابر غیر یهودیان، مخصوصا مسلمانان مسؤولیتی نداریم.<sup>۲</sup> چنانچه قرآن کریم حالت آنان را توصیف کرده است که می گفتند: ما در برابر امیان (مسلمانان) مسؤولیتی نداریم ﴿لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ﴾. در حالی که مسلمانان در آنچه خداوند برایشان حرام ساخته حتی به اصل تعامل بالمثل دست نمی زنند؛ مانند مثله کردن در جنگ، یا قتل زنان و اطفال و ضعیفان؛ بلکه در مقابل غدر دشمن وفا می کنند و بدی را به نیکی پاسخ می گویند. بدین ترتیب قواعد و مبادی اسلامی به مراتب برتر از قواعد قانون بین الملل قد علم می کند و باقی می ماند.

### مبدأ انعطاف و اعتدال

مبدأ انعطاف (flexible) و اعتدال (moderation) از مهم ترین مبادی دیپلماسی به شمار می رود. هر دو مبادی اعتدال گرایی و انعطاف پذیری از خصوصیت های اساسی دعوت اسلام است. رساندن دعوت خدا در روی زمین وظیفه پیامبران و انبیا است که الله متعال آنان را برای این امر برگزیده است. خداوند می فرماید: ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾.<sup>۳</sup> ترجمه: و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست.

قرآن کریم دعوتگران را به التزام به حکمت و روش نیکو و محکم در آنچه به دیگران می رسانند، تشویق و امر نموده است، تا آنکه دعوت راه خود را به سوی قلب ها باز کند و نفس ها و قلب ها با آن اطمینان و آرامش یابند. چنان که خداوند متعال فرموده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾.<sup>۴</sup> ترجمه: با حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه پرودگارت دعوت کن و با بهترین روش با اهل جدل مناظره کن.

اسلام دین اعتدال و تسامح است و شواهد بی شماری در این باب وجود دارد. ما ملاحظه می کنیم که قرآن کریم و سنت نبوی در حالات و در جاهای متعددی بر مسامحت و میانه روی، سخن گوارا و اخلاق نیکو، عفو و شکیبایی به منظور موفقیت وظیفه تبلیغ رسالت الهی تأکید ورزیده اند. خداوند متعال اراده نموده است که پیامبرش الگوی بی مانندی در این راستا بوده باشد. چنان که به پیامبر چنین ارشاد نموده است: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾.<sup>۵</sup> ترجمه: روش عفو و بخشش در پیش گیر و امت را به نیکو کاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان.

همچنان خداوند متعال به پیامبر گرامی چنین دستور می دهد: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾.<sup>۶</sup> ترجمه: به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تند خو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند. پس از (بدی) آنان در گذر و برای آن ها طلب آمرزش کن.

<sup>۱</sup>. علی منصور، منبع گذشته، ص ۲۸۷-۲۸۸.

<sup>۲</sup>. محمد حمید الله، کتاب احکام اهل الذمه لابن القيم الجوزیه.

<sup>۳</sup>. سوره النور: ۵۴. سوره العنکبوت: ۱۸.

<sup>۴</sup>. سوره النحل: ۱۲۵.

<sup>۵</sup>. سوره الأعراف: ۱۹۹.

<sup>۶</sup>. سوره آل عمران: ۱۵۹.

بدین ترتیب اسلام با تعالیم اعتدالی، انسانی و پر مسامحت خویش با هر گونه اشکال و مظاهر تشدد و اجبار و دهشت در معامله با انسان‌ها به دور است و ریختاندن خون انسان را بدون حق حرام گردانیده است؛ هر انسانی و از هر دین و آیینی که بوده باشد. اسلام قتل یک نفس انسانی را به مثابه قتل همه انسان‌ها می‌داند؛ حتی در اثنای جنگ، اسلام مبدأ عفو و شکیبایی در مقابل تجاوز را ترجیح داده، از اصل معامله بالمثل صرف نظر نموده، بدی را با نیکی پاسخ می‌دهد. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾.<sup>۱</sup> ترجمه: و اگر صبر کنید البته برای صابران بهتر خواهد بود. همچنان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾.<sup>۲</sup> ترجمه: و هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، همیشه بدی را به بهترین شیوه دور کن.

همچنان اسلام تعذیب و قتل بی‌گناهان، غیر محاربان، زنان، کودکان و کهن سالان را ممنوع ساخته و هرگونه تخریب بدون موجب را در برابر دشمن جنگنده نا مشروع گردانیده و همه این گونه اعمال را فساد در روی زمین خوانده که خداوند متعال فساد را دوست ندارد. قرآن کریم انسان فساد پیشه را چنین معرفی نموده است: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾.<sup>۳</sup> ترجمه: و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصلات و نسل را هلاک و نابود کند و خدا فساد را دوست ندارد.

تعلیمات و توجیهات پیامبر گرامی و خلفای راشدین به رهبران ارتش و مجاهدین اسلام در این باب روشن و آشکار است. پیامبر اسلام حین فرستادن گروه‌های مجاهدین به ایشان چنین خطاب می‌نمود: «انْطَلِقُوا بِاسْمِ اللَّهِ، وَعَلَى بَرَكَهَةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا، وَلَا طِفْلًا، وَلَا صَغِيرًا، وَلَا امْرَأَةً، وَلَا تَغْلُوا - أَيُّ: لَا تَخُونُوا وَأَصْلِحُوا وَأَحْسِنُوا، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» یعنی: بنام خدا و به برکت خدا و پیامبر خدا حرکت کنید، کهن سالان عاجز را نکشید، اطفال و خورد سالان و زنان را به قتل نرسانید، خیانت و زیاده روی نکنید، اصلاح و نیکی را پیشه کنید، که خداوند نیکو کاران را دوست دارد.

همچنان پیامبر گرامی اسلام از مثله کردن (قطعه کردن اعضای بدن مقتول) منع نموده می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْمُثَلَّةَ، وَلَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ» یعنی: از مثله کردن ابا و ورزید، اگر چه سگ درنده هم بوده باشد. همچنان پیامبر اسلام از قتل فرزندان و نواده های دشمن و مزدور کاران منع نموده می‌فرماید: «لَا تَقْتُلُوا ذُرِّيَّةً، وَلَا عَسِيفًا» یعنی نسل‌ها و مزدور کاران مشغول به زمین داری و زراعت را نکشید.

این ابوبکر صدیق است که به نخستین سرلشکر خود اسامه بن زید، هنگام مشایعت و فرستادنش خطاب می‌کند: «لَا تَخُونُوا، وَلَا تَغْلُوا، وَلَا تَعْدِرُوا، وَلَا تَمْثَلُوا، وَلَا تَقْتُلُوا طِفْلًا صَغِيرًا، وَلَا شَيْخًا كَبِيرًا، وَلَا امْرَأَةً، وَلَا تَقْطَعُوا نَخْلًا، وَلَا تُحْرِقُوا شَجَرَةً مُثْمَرَةً، وَلَا تَذْبَحُوا شَاةً، وَلَا بَقَرَةً، وَلَا بَعِيرًا إِلَّا لِمَا كَلَّةٍ، وَسَوْفَ تَمْرُونَ عَلَى قَوْمٍ فَرَعُوا أَنْفُسَهُمْ فِي الصَّوَامِعِ، فَدَعَوْهُمْ وَمَا فَرَعُوا أَنْفُسَهُمْ لَهُ».<sup>۴</sup> یعنی: خیانت و غدر نکنید، مثله نکنید، طفل خورد سال، مردان کهن سال و زنان را نکشید، درختان خرما را بیخ کن نکنید، درختان میوه دار را آتش نزنید، گوسفند یا گاو و یا اشتري را مگر برای استفاده از گوشت آن ذبح نکنید. شما در این سفر به مردانی بر می‌خورید که در معابد خود را گوشه کرده اند، آنان را به آنچه برای خود پسندیده اند بگذارید و به آنان ضرر نرسانید.

همچنان عمر بن خطاب دومین خلفای راشدین هنگام بستن لوا برای امیر لشکر اسلام چنین می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ، عَلَى عَوْنِ اللَّهِ، امْضُوا بِتَأْيِيدِ اللَّهِ، وَلَكُمْ النَّصْرُ بِلُزُومِ الْحَرْبِ وَالصَّبْرِ. قَاتِلُوا وَلَا تَعْتَدُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَلَا تَجْبُنُوا عِنْدَ اللَّقَاءِ،

۱. سوره النحل: ۱۲۶

۲. سوره فصلت: ۳۴

۳. سوره البقره: ۲۲۵

۴. علی منصور، منبع گذشته، ص ۳۰۵

وَلَا تَمْثَلُوا عِنْدَ الْقُدْرَةِ، وَلَا تُسْرِفُوا عِنْدَ الظُّهُورِ، وَلَا تَقْتُلُوا هَرِمًا، وَلَا امْرَأَةً، وَلَا وَلِيدًا، وَتَوَقَّوْا قَتْلَهُمْ إِذَا التَّقَى الْفَرَسَانِ، وَعِنْدَ حُمَةِ النَّبْضَاتِ، وَفِي شَنِّ الْغَارَاتِ، نَزْهُوا الْجِهَادَ عَنْ عَرَضِ الدُّنْيَا، وَأَبْشَرُوا بِالرَّبَاحِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». یعنی بنام خدا و به نصرت و تأیید خدا بروید، فتح و نصرت با صبر و استقامت در جنگ نصیب شما خواهد بود. بجنگید و تجاوز نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد. در هنگام ملاقات با دشمن جیون و بز دل نشوید و در هنگام نصرت و قدرت مثله نکنید و در حالت غلبه اسراف و زیاده روی نکنید. پیر مردان و زنان و نو زادان را نکشید و در هنگام درگیری و گرم شدن میدان جنگ و هجوم بر دشمن از قتل این اصناف بپرهیزید. جهاد تان را از متاع دنیا پاک نگهدارید و شما را به فایده‌ای که برای آن نفس‌های خود را بذل نموده اید بشارت می‌دهم که آن پیروزی بزرگ است. این است برخی توجیهات اسلام در تعامل با دشمن و دعوت مردم به سوی اسلام.

بدون شک نخستین و بیشترین کسی که به این توجیهات و این مبادی و مسلح شدن با سلاح بیان و سخن نیکو و مؤثر نیاز دارد؛ سفیر و یا فرستاده دیپلماسی است تا در کار خود موفق شود. از همین جاست که از زمان‌های قدیم برای سفیر و فرستاده دیپلماسی دانستن زبان و حاکمیت بر هنر خطابت شرط گذاشته شده است، چنانچه در وصف سفیر و فرستاده گفته اند: «فإنه لسان ملکه، وترجمان مُرسِلِه».<sup>۱</sup> یعنی: سفیر و دیپلمات زبان پادشاه خود و ترجمان فرستنده خود می‌باشد. جعفر بن ابی طالب نخستین سفیر اسلام و سخنگوی مهاجرین در دربار نجاشی پادشاه حبشه را ملاحظه می‌کنیم که با منطق رسا و برهان قاطع خود سفارت قریش را در برگردانیدن مهاجران به مکه ناکام می‌سازد و پادشاه را با عدالت رسالت خود قانع نموده وی را وادار می‌سازد تا از حقوق آن مهاجران آواره و بی وسیله دفاع نماید.

همچنان ملاحظه می‌نماییم که حاطب بن ابولتعه سفیر پیامبر صلی الله علیه وسلم به سوی مقوقس حکمرای مسیحیان قبطی مصر، با این پادشاه به مناظره می‌پردازد و مقوقس را با منطق حق خاموش ساخته، مقوقس چاره‌ای جز تحسین و تقدیر از سفیر مسلمان نمی‌بیند و اظهار می‌دارد: «أحسن، أنت حكيم من عند حكيم».<sup>۲</sup> یعنی: خوشا به تو! یقیناً تو حکیم هستی که از نزد حکیمی فرستاده شده‌ای.

مبدأ خوش زبانی و خطاب منطقی یک مبدأ مشهور و معروف است که همه ملت‌ها و دولت‌ها در انتخاب سفرا و فرستادگان‌شان در قدیم و عصرهای بعدی به آن تأکید ورزیده اند. زمانی که سفیر دولت بیزانس (طاراث بن الیث بن العیذار بن طریف) در سال ۱۵۸ هـ/ ۷۷۵ م وارد بغداد گردید، حین دیدار با مأمون خلیفه عباسی از طریق ترجمان چنین گفت: «من برای کسب مال و مقصدی به نزد امیرالمؤمنین شرفیاب نشده‌ام، بلکه به اشتیاق دیدن او ونظر به چهره وی به اینجا آمده‌ام». مأمون در مقابل حسن سخن این سفیر خطاب به وی چنین گفت: «آنچه اظهار نمودی مرا خوشحال ساخت، سپس به وزیر خود (فضل بن ربیع) دستور داد تا به تکریم و استقبال این سفیر پردازد».<sup>۳</sup>

### نتیجه گیری

با مطالعه روشمند تاریخ سیاسی اسلام، در این مقاله چنین نتیجه می‌توان گرفت که مسلمانان از آغاز تأسیس دولت اسلامی در قرن هفتم میلادی عملاً با نیروهای ماحول خود در جزیره عرب و با دولت‌های جهان آن زمان روابط برقرار نموده، گونه‌هایی از برقراری ارتباطات اعم از گفتگوهای مسالمت آمیز فکری، تبادل نامه‌ها و فرستادگان، عقد توافقنامه‌ها و عهد

۱. قلقلشندی، ۱۹۶۳، منبع گذشته، ج ۶: ۵۳۹.

۲. همان، ص ۳۵۹-۳۶۰.

۳. برای معلومات مزید راجع به داستان این سفیر و امتیازاتی که خلیفه به وی بخشید، و گشت و گزارش همراه با وزیر فضل بن ربیع در مناطق خلافت اسلامی و... نگاه کنید: فتحی عبد الله، ۱۹۹۰، منبع گذشته، ص ۱۷۳.

نامه‌های همکاری، دفاع مشترک، عدم مداخله و بی طرفی در جنگ، صلح و ختم جنگ و انواع دیگر معاهدات را در عهد نبوی و بعد از وی تجربه کرده اند.

در حالیکه در آن زمان از حقوق، آزادی و قانون در جزیره عرب و دولت‌های جهان خبری نبود، پیامبر اسلام پس از هجرت به مدینه در نخستین گام به ایجاد جامعه انسانی و تشکیل جامعه سیاسی و دولت اسلامی پرداخت، میثاق مدینه را تدوین نمود و بر اساس آن صفوف داخلی مسلمانان را تحکیم بخشید. همچنان به همه شهروندان و گروه‌های ساکن در جغرافیای دولت اسلامی حقوق شهروندی، آزادی‌های دینی، اجتماعی، اقتصادی و مکلفیت‌های شهروندی را برای همزیستی مشترک و دفاع از حریم جغرافیای دولت نو پای مدینه به حکم میثاق و قانون مسجل ساخت. اوضاع داخلی را برای دفاع از مدینه و جغرافیای اسلامی در برابر تجاوزات و لشکر کشی‌های دشمن اصلی که قریش و قبایل و نیروهای متحالف قریش بود انسجام بخشید، و در مراحل بعدی نمایندگان و هیئت‌های دولت اسلامی برای دعوت به اسلام و اعلام موجودیت دولت اسلامی به مناطق دور و نزدیک فرستاده شدند. از فرستادگان و هیئت‌های قبایل و نیروهای مختلف در مرکز دولت اسلامی استقبال می‌گردید؛ تا آنجا که سال هشتم هجری در تاریخ اسلام به نام عام الوفود «سال ورود هیئت‌ها» نامیده شد، و پیامبر اسلام شخصا از هیئت‌های وارد شده به مدینه با مراسم و تشریفات مطابق با شرایط آن زمان پذیرایی می‌کرد.

در راستای توسعه و تطور روابط متقابل دولت اسلامی با قدرتها و نیروهای درگیر، واژه‌ها و مؤلفه‌های «رسول»، «کتاب»، «سفیر» و امثال آن به مفهوم کاربردی دیپلماسی معاصر در عهد نبوی، خلافت راشد به کار گرفته شد و به این ترتیب نظام دیپلماسی اسلامی با قواعد و ضوابط قانونی در دوره‌های خلافت‌های بزرگ اموی، عباسی و عثمانی توسعه و تحول یافت. مبادی و راهکارهای دیپلماسی و روابط بین الملل اسلامی همگام با فتوحات اسلام و گسترش دولت اسلامی در روشنایی وحی، سنت و سیرت نبوی در تعامل با دشمنان در حالات صلح و جنگ قاعده مند گردید. علما و اندیشمندان مسلمان راجع به مبادی و راهکارهای نظری و عملی روابط دیپلماتیک و روابط بین الملل میراث عظیمی را درج تاریخ و تمدن اسلامی نموده اند که قبل از مسلمانان؛ اندیشمندان غربی اعم از خاور شناسان و نویسندگان با انصاف غیر مسلمان به شگوفایی و افتخارات فرهنگی و سیاسی تمدن اسلامی با اعجاب و ستایش اعتراف نموده اند. مقاله حاضر در راستای اصالت بخشی تاریخ تطور دیپلماسی، به عنوان درآمدی برگوشه ای از تحولات شکل گیری و توضیح مهم ترین مبادی دیپلماسی اسلامی پرداخته است. مقاله به دانش جویان و پژوهشگران علوم سیاسی و عرصه دیپلماسی و روابط بین الملل توصیه می‌کند با مطالعات روشمند و کاربردی وبا تحقیق و پژوهش‌های علمی خود به غنای این رشته مهم و حیاتی بیشتر بپردازند.

## منابع و مأخذ

1. القرآن الکریم.
2. ابراهیم، دکتور حسن، ۱۹۷۰، النظم الإسلامية، ج ۱، مطبعة النهضة المصرية، القاهرة.
3. ابن الأثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، ۱۹۶۶م، الکامل فی التاریخ، ج ۵، دار صادر، بیروت.
4. ابن الفراء (۱۹۴۷). رسل الملوك ومن يصلح للرسالة والسفارة (تحقیق وتعلیق: صلاح الدین المنجد). القاهرة، مصر.
5. ابن رجب الحنبلی، (بی‌تا)، جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حدیثا من جوامع الکلم، دار المعرفة، بیروت.
6. ابن هشام، ۱۹۳۶، السيرة النبوية، ج ۳، مطبعة الحلبي، القاهرة.
7. ابوعید، دکتور عارف خلیل، ۱۹۹۰م، العلاقات الخارجية فی دولة الخلافة، ط ۲، دار الأرقم، بیرمنجهام، بریطانیا.
8. باناجه، دکتور سعید محمد أحمد، ۱۹۸۵م، المبادئ الأساسية للعلاقات الدولية والدبلوماسية بين التشريع الإسلامي والقانون الدولي العام، ط ۱، مؤسسة الرسالة، بیروت.
9. البخاري، محمد بن إسماعيل، (بی‌تا)، صحيح البخاري، المكتبة الإسلامية.

10. التاج إبراهيم دفع الله، ١٩٩٧، المعاهدات والمواثيق الدولية في الشريعة الإسلامية مقارنة بالقانون الدولي العام، بحث دكتوراه في القانون، جامعة أم درمان الإسلامية.
11. حسن فتح الباب، ١٩٧٠، مقومات السفراء في الاسلام، القاهرة.
12. خدوري، دكتور مجيد، ١٩٧٣، الحرب والسلام في شرعة الإسلام، ط ١، بيروت.
13. سرحان، دكتور عبد العزيز محمد، ١٩٧٤م، قانون العلاقات الدبلوماسية والقنصلية، مطبعة جامعة عين شمس، القاهرة.
14. الشوكاني، محمد بن علي، ١٩٨٣، نيل الأوطار شرح منتقى الأخبار، دار الكتب العلمية، بيروت.
15. الشيباني، السير الكبير، ١٩٥٨، تمهيد: محمد أبو زهرة، تحقيق: مصطفى زيد، مطبعة جامعة القاهرة.
16. الشيباني، السير الكبير، ١٩٧٥، تحقيق وتعليق مجيد خدوري، الطبعة الأولى، الدار المتحدة للنشر، لبنان.
17. الغنيمي، دكتور محمد طلعت، ١٩٧٧، الوجيز في قانون السلام، ط ٢، منشأة المعارف بالإسكندرية.
18. فتحى عبدالله، دكتور وديع، ١٩٩٠، العلاقات السياسييه بين بيزنطة والشرق الأدنى الإسلامى، مؤسسه شباب الجامعة، الإسكندرية.
19. القرطبي، محمد بن أحمد الأنصاري، (بى تا)، الجامع لأحكام القرآن .دار الكتب العربية.
20. قلقشندي، ابي العباس احمد بن علي، ١٩٦٣، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، القاهرة.
21. محمد، أبو الوفا، (بى تا)، المعاهدات الدولية في الشريعة الإسلامية.
22. محمد، دكتور محمد حميد الله، ١٩٨٥م، الوثائق السياسية للعهد النبوي والخلافة الراشدة، ط ٥، دار النفائس، بيروت.
23. محمد، محمد حميد الله، (بى تا)، مقدمة كتاب أحكام أهل الذمة لابن قيم الجوزية.
24. مناع القطان، ١٩٩٢م، الدبلوماسية في المجتمع المعاصر، معهد الدراسات الدبلوماسية، الرياض.
25. المنجد، صلاح الدين. (١٩٨٣). النظم الدبلوماسية في الإسلام .بيروت، لبنان.
26. منصور، المستشار علي، ١٩٦٥، الشريعة الإسلامية والقانون الدولي العام، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، القاهرة.